یک جرعه نور

پیامبر اکرم(ص)؛
نماد زندگی‌بخش و بی‌نیازی الهی

در آموزه‌های اسلامی، خداوند اسامی زیبایی دارد که هرکدام نشان‌دهنده یکی از صفات اوست. دو تا از این اسامی، «محیی» به معنای زنده‌کننده و «مغنی» به معنای بی‌نیازکننده است. اما جالب است بدانید که خداوند، پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص)، را مظهر و نماد این دو صفت معرفی کرده است. این یعنی پیامبر اکرم(ص) نه‌تنها خودش تجلی این صفات است، بلکه پیروی از او می‌تواند زندگی واقعی و بی‌نیازی را برای انسان‌ها به ارمغان بیاورد.

بیایید این موضوع را با زبانی ساده و براساس آیات قرآن بررسی کنیم تا بهتر درک کنیم چطور پیامبر محور حیات و غنا می‌شود. ابتدا به صفت «محیی» بپردازیم. خداوند در قرآن، پیامبر را محور حیات قرار داده است. در آیه‌ای از سوره انفال می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دعوت خدا و پیامبر را بپذیرید وقتی شما را به چیزی فرامی‌خوانند که به شما حیات می‌بخشد.» اینجا منظور از حیات، فقط زندگی گیاهی یا حیوانی نیست؛ یعنی چیزی فراتر از زنده ماندن روزمره. خداوند این خطاب را به مؤمنان می‌کند؛ کسانی که قبلا با ایمان آوردن، بخشی از حیات واقعی را به‌دست آورده‌اند. اما می‌گوید اگر می‌خواهید این حیات حفظ شود یا به سطوح بالاتری برسد، باید از پیامبر پیروی کنید؛ مثلا اگر ایمانتان فقط ظاهری است، با اطاعت از او می‌توانید آن را به ایمان باطنی و عمیق تبدیل کنید. پیامبر خودش زنده واقعی است و مظهر «الحی الذی لا یموت»؛ یعنی خدایی که زنده ابدی است و هرگز نمی‌میرد، بنابراین پیروی از او نه‌تنها زندگی دنیوی را معنادار می‌کند، بلکه حیات جاودانه در آخرت را هم تضمین می‌کند. تصور کنید حیات مثل یک درخت است: ایمان اولیه ریشه آن است، اما پیروی از پیامبر(ص)، شاخ و برگ و میوه‌اش را می‌پروراند. بدون این پیروی، حیات ما ناقص می‌ماند و ممکن است خشک شود.

حالا به صفت «مغنی» می‌رسیم. خداوند، پیامبر را مظهر بی‌نیازی می‌داند. در آیه‌ای از سوره توبه می‌فرماید: «خداوند و پیامبرش، آن‌ها را بی‌نیاز کردند.» اینجا اغنا یا بی‌نیاز کردن را، هم به خدا و هم به پیامبر نسبت می‌دهد. این نشان می‌دهد که پیامبر آن‌قدر برجسته و خاص است که می‌تواند نماد «مغنی» باشد. جالب اینجاست که در قرآن، این صفت اغنا فقط به پیامبر اسلام نسبت داده شده است نه به هیچ پیامبر دیگری. چرا؟ چون او بنده کامل خداست. بندگی واقعی یعنی اطاعت کامل از خداوند که نتیجه‌اش، بی‌نیازی از هر چیز غیرخداست. پیامبر می‌گوید: «اطاعت از خدا، غنا و بی‌نیازی است.» وقتی این بندگی به کمال برسد، آن بنده نه‌تنها خودش بی‌نیاز می‌شود، بلکه دیگران را هم بی‌نیاز می‌کند. درواقع، این بندگی خالصانه است که مغنی واقعی است.

همراه با نهج‌البلاغه

لبخندی که مأمن یاران او بود

در روزگاری که بسیاری از دل‌ها زنگار جاهلیت گرفته بود و بار گمراهی شانه‌های مردمان دوران پیامبر(ص) را می‌فشرد، لبخند پیامبر رحمت چون نوری بود که تاریکی‌ها را می‌شکافت و امید را در دل‌ها زنده می‌کرد. هرگاه با مردم سخن می‌گفت، تبسمی آرام بر لب داشت؛ گویی همین نگاه و لبخند، مرهمی بر زخم‌های پنهان آنان بود.

انسان جاهلی در طلب تکیه‌گاهی امن بود و پیامبر با چهره‌ای بشاش، اخلاقی حسنه و دلسوزی بی‌نهایت خود، نشان می‌داد که درکنار امت خویش ایستاده است. او با مردم می‌نشست، از احوالشان می‌پرسید، با آنان هم‌سفره می‌شد و حتی در غم‌ها و شادی‌هایشان شریک می‌شد. همین حضور پرمهر، دلگرمی اصحاب رسول‌ا... بود؛ رسولی که خاتم پیامبران و مهربان‌ترین پناهگاه دل‌های شکسته بود.

امام علی(ع) در نهج‌البلاغه از همراهی بی‌واسطه و محبت‌آمیز پیامبر یاد می‌کند؛ از اینکه چگونه آن حضرت، یاران خود را در سخت‌ترین شرایط به صبر و امید فرامی‌خواند. این سخن امام که «هرگاه فتنه‌ها چون شب تار بر شما هجوم آورد، به رسول خدا پناه برید»، نشانه آن است که وجود پیامبر و خلق عظیم او، مأمن روحی اصحاب در سختی‌ها بوده است. قرآن کریم نیز در وصف این رحمت بی‌کران می‌فرماید: «همین که با امت خود نرم‌خو هستی، از لطف خداست که اگر با ایشان تندخو بودی، از اطرافت پراکنده می‌شدند...»(آل‌عمران/۱۵۹). خلق عظیم، گشاده‌رویی و لبخند پیامبر بود که دل‌ها را گرد او جمع و بستری برای برپایی و استحکام ایمان آنان فراهم کرد.

انسان روزگار ما بیش از هر زمان به چنین خلق عظیمی نیازمند است؛ اخلاقی که گشاده‌رویی و مهربانی را بدون منت و نه از سر عادت، میان جامعه رواج دهد که ما از پیامبر آموختیم مهربانی و دلسوزی بی‌منت، عبادتی است ساده و مؤثر و پلی است میان دل‌ها.

معرفی کتاب

صدای بال جبرئیل

کتاب «صدای بال جبرئیل» قطره‌ای از دریای معنویت رسول اکرم(ص) را به تصویر کشیده است. کتابی برای گروه سنی نوجوان که در گروه عناوین «گنجشک‌های جمکران» چاپ شده است.

برشی از کتاب

عتبه رودرروی اسعد و ذکوان می‌نشیند: «خوش آمدی اسعد! ما را مسرور و شادمان کردی.» اسعد لبخندی می‌زند: «ای عتبه، تو دوست و رفیق من هستی. مشکلی دارم که تنها تو و قبیله‌ات می‌توانید از پس آن بربیایید.» عتبه چهره‌اش را کنجکاو نشان می‌دهد: «چیست آن مشکل؟»

همان‌طور که می‌دانی، قبیله ما و قبیله اوس همیشه در حال نبرد و ستیز با هم بوده‌اند. در جنگی که چندی پیش رخ داد، ما شکست سختی خوردیم. اکنون من از طرف قبیله خزرج به‌سوی تو آمده‌ام تا کمکمان کنید و دربرابر قبیله اوس...

عتبه سخنان اسعد را قطع می‌کند و می‌گوید: «فاصله شما با ما بسیار زیاد است. مضافا اینکه ما نیز اکنون خودمان درگرفتاری به‌سر می‌بریم و با معضل بزرگی روبه‌رو هستیم.» اسعد کنجکاوانه می‌گوید: «چه مشکلی؟» عتبه جواب می‌دهد: «محمد. جوانی است که به‌تازگی در مکه، مردم را به سوی آیینی جدید فراخوانده. او خدایان ما را زیرسؤال می‌برد و از خدای یگانه دم می‌زند. تاکنون نیز عده‌ای را منحرف ساخته. اگر دیر بجنبیم، او همه اهل مکه را فریب خواهد داد.» اسعد با تعجب به زمین می‌نگرد. لحظاتی می‌گذرد. ذکوان رو به عتبه می‌کند و می‌گوید: «پس می‌خواهید بگویید که نمی‌توانید به ما و قبیله‌مان کمک کنید؟»

مشورت، رمز موفقیت و جلوگیری از پشیمانی در تصمیم‌های زندگی است

کلید طلایی برای ساختن سرنوشتی روشن

گزارش

حسین ابراهیمی| در دنیای پرتلاطم امروز، جایی که تصمیم‌های سرنوشت‌ساز می‌توانند آینده‌ای روشن یا تاریک بسازند، مشورت به‌عنوان کلیدی طلایی برجسته می‌شود. در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام‌والمسلمین ایزدخواه، عضو نخبگان تبلیغ حوزه علمیه خراسان وکارشناس دینی، وی به بررسی عمیق فواید مشورت در زندگی روزمره می‌پردازد. او تأکید می‌کند که مشورت نه‌تنها حسادت را خنثی می‌کند و دیگران را شریک تصمیمات می‌سازد، بلکه یاری الهی را نیز جلب می‌کند. ایزدخواه با استناد به احادیث و تجربیات شخصی، خصوصیات مشاور شایسته را چنین توصیف می‌کند: عاقل، دین‌دار، رازدار و موفق و بدون هوای نفس. این سخنران هشدار می‌دهد که مشورت نکردن در امور مهمی مانند ازدواج، شغل یا مسئولیت‌های اجتماعی، می‌تواند به نابودی آبرو و پشیمانی ابدی منجر شود. زمان مناسب مشورت، وقتی است که آگاهی کافی نداریم یا پای حقوق دیگران درمیان است. این فرایند، با احترام به دیگران و تأمل کافی، انسان را پخته می‌کند و به رشد مادی و معنوی می‌رساند. ایزدخواه با مثال‌های واقعی، مشورت را چراغ راه آینده معرفی می‌کند که مانع خودرأیی و استبداد می‌شود.

فواید مشورت در زندگی روزمره

مشورت نه‌تنها مانع حسادت دیگران می‌شود، بلکه آن‌ها را در سرنوشت تصمیمات شریک می‌کند. برای مثال، در امر ازدواج، وقتی از خواهر، برادر یا والدین نظر می‌خواهید، آن‌ها خود را بخشی از این تصمیم می‌دانند. اگر ازدواج موفق باشد، احساس می‌کنند در آن نقش داشته‌اند و می‌گویند: «ما کمک کردیم.» اما اگر مشکلی پیش آید، چون نظرشان را گرفته‌اید، خود را سهیم می‌دانند و سکوت می‌کنند، بدون اینکه آتش اختلاف را شعله‌ور سازند. علاوه‌بر این، یاری خداوند شامل حال اهل مشورت می‌شود؛ چنان‌که گفته شده است: «یدا... مع‌الجماعه.» خداوند مشورت را دوست دارد. مشورت به ما کمک می‌کند تا تصمیماتمان را نه‌تنها شخصی، بلکه جمعی ببینیم. ازدواج مانند انتخاب ساعت یا کفش و لباس نیست که اگر خراب شد، تعویض شود؛ باید آبروی خانواده و شأن خانوادگی را درنظر گرفت. شریک زندگی وارد جمع خانوادگی می‌شود و این انتخاب، دائمی و ابدی است، نه موقتی. مشورت، انسان را پخته می‌کند و با احترام گذاشتن به دیگران، احترام متقابل به دست می‌آید؛ مثلا اگر باجناقی بنگاه‌دار دارید و می‌خواهید زمین بخرید، با او مشورت کنید یا اگر یکی از دوستانتان نمایشگاه اتومبیل دارد، برای خرید ماشین نظرش را بپرسید. این کار احترام می‌گذارد و از ابتدا گارد نمی‌گیرد، لجاجت ایجاد نمی‌کند. مشورت ضرری ندارد و احترام به دیگران را افزایش می‌دهد.

از چه کسی مشورت بگیریم؟

مشورت باید از افراد واجد شرایط گرفته شود. مشاور باید سواد و اجازه رسمی داشته باشد، خصوصیات روحی و روانی مشاور هم مهم است؛ نباید ترسو، مضطرب یا طمع‌کار باشد. پیامبر اکرم(ص) فرموده‌اند: «از عاقل مشورت بگیرید.» امام صادق(ع) نیز می‌فرمایند: مشورت کنید با کسی که عاقل باشد، آزاد از هوای نفس و عقده‌های حقارت، دین‌دار، باور شما و رازدار. تجربه شخصی من این است: زوجی اختلاف داشتند و پنج نفر، ازجمله دو معمم، به مرد گفته بودند طلاق بگیر، اما من به‌عنوان نفر ششم گفتم ازدواج را حفظ کن و زندگی را ازهم نپاش. اکنون آن‌ها خوشبخت زندگی می‌کنند. چرا بدون اطلاعات کامل از گذشته، خصوصیات روانی و احاطه علمی حکم صادر می‌کنید؟ طلاق منفورترین حلال است؛ نباید عجولانه تجویز شود، مگر با یقین کامل، مشاور باید در زندگی خود موفق، خوش‌نام و بدون نفع شخصی باشد؛ مثلا فرزندم می‌خواست از تحصیل انصراف دهد، اما پس از مشورت با استاد معماریان، تصمیمش را تغییر داد و موفق شد.

زمان مناسب مشورت و ضررهای عدم آن

مشورت زمانی لازم است که برای زندگی، شغل، آینده فرزندان یا سرنوشت مملکت، تصمیمی بزرگ می‌گیریم؛ جایی که پای آبرو درمیان است و راه برگشتی وجود ندارد. پل پشت‌سر را خراب نکنید. باید به ضررهای مشورت نگرفتن توجه داشته باشیم. عجله در تصمیم‌گیری و اکتفا به دانش خود، گاهی خیلی زود دیر می‌شود؛ مانند ازدواج، تعیین رشته یا قبول مسئولیت. مشورت نکردن در این زمینه‌ها ممکن است به قیمت از دست دادن آبرو تمام شود و آدم را انگشت‌نما کند و به‌جای الگو، عبرت دیگران شود.

مشورت نه‌تنها سفارش اخلاقی، بلکه واجب است؛ وظیفه‌ای برای تدبر و دیدن پشت ظواهر است. مشورت مثبت، احتمال خطا را کم می‌کند، استعداد الهی را شکوفا می‌سازد و مانع خودرأیی و استبداد می‌شود.

چرا مشورت ضروری است؟

مشورت تبادل نظر برای بازکردن میدان دید انسان است؛ استفاده از تجربیات دیگران و کمک گرفتن برای تصمیم‌گیری که بزرگ‌ترین مسئله زندگی است. تصمیم‌ها سرنوشت را می‌سازند و ما با اختیاری که خداوند به ما داده است و مقام خلیفه‌اللهی، باید درست استفاده کنیم تا به رشد مادی و معنوی برسیم. زمان مشورت گرفتن هم خیلی مهم است؛ وقتی آگاهی کافی نداریم، پای حقوق دیگران درمیان است (مانند اختلاف‌های خانوادگی) یا پای آبروی خودمان مطرح است. بسیاری از زندگی‌ها به‌دلیل مشورت نکردن پیش از ازدواج نابود می‌شوند.

خداوند می‌فرماید: «خذوا ما آتیناکم بقوه»؛ یعنی باقدرت تصمیم بگیرید و برای حفظ نعمت‌هایی که دارید، تلاش کنید. آبرو و شخصیت انسان، ارزش الهی دارد و باید پاسداری شود؛ زیرا عمر و آبرو دکمه برگشت ندارند. قبل از تصمیم عجولانه، مطالعه کرده، با افراد ذی‌صلاح مشورت کنید. همچنین، وقتی مسئولیت اجتماعی مهمی را قبول می‌کنید، مشورت ضروری است. در نماز می‌گوییم: «السلام علینا و علی عبادا... الصالحین»، یعنی خودبین و مستبد نباشید؛ تصمیم‌ها باید آبروی امت اسلام و جامعه انسانی را حفظ کند. قرآن می‌گوید: «أنتم الأعلون إن کنتم مؤمنین»، یعنی دید جمعی داشته باشید. ما با جهانی‌سازی استعماری مخالفیم، نه جهانی‌شدن؛ دید جهانی داریم؛ چنان‌که در نماز می‌گوییم: «إیاک نعبد و إیاک نستعین».

مشورت درست؛ چراغ راه آینده

یک مشاور شایسته، فردی عاقل و خردمند است که دارای ایمان عمیق، آزاد از هوای نفس، رازدار و موفق در زندگی خویش باشد. او باید با انصاف کامل، دانش جامع و یقین قاطع، راهنمایی کند تا مشورت‌گیرنده را به سوی بهترین تصمیم هدایت کند. ازسوی دیگر، مشورت‌گیرنده موظف است مشاوران را با دقت انتخاب کند و به نظرات آنان احترام بگذارد، نه اینکه آن‌ها را نادیده انگارد. آداب مشورت ایجاب می‌کند که در امور مهم و سرنوشت‌ساز، تنها با افراد ذی‌صلاح و متخصص مشورت شود، بدون شتاب‌زدگی و با تأمل کافی. این فرایند، کلیدی برای موفقیت و جلوگیری از پشیمانی است؛ زیرا مشورت درست، چراغ راه آینده می‌شود. تشکر می‌کنم که این فرصت را برای گفتگو فراهم کردید.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین ایزدخواه: مشورت نه‌تنها سفارش اخلاقی، بلکه واجب است؛ وظیفه‌ای برای تدبر و دیدن پشت ظواهر است. مشورت مثبت، احتمال خطا را کم می‌کند، استعداد الهی را شکوفا می‌سازد و مانع خودرأیی و استبداد می‌شود

یادداشت

به من مشورت بدهید!

برات‌محمد هدایتی
نویسنده و فعال فرهنگی

یکی از ویژگی‌های مهم حکومت اسلامی، مردم‌سالاری است. مردم‌سالاری، ابعاد متعددی دارد که یکی از آن‌ها، «درخواست مشورت» حاکم از مردم و نخبگان است. پیامبر گرامی اسلام(ص)، در طول زندگی خود، جمله معروفی داشت با این عبارت «أَشِیرُوا عَلَیَّ؛ به من مشورت دهید.» این عبارت ده‌هابار در منابع حدیثی شیعه و سنی نقل شده است. (ر.ک: کتاب بحارالانوار و کتاب شرح ابن ابی الحدید).

پیامبر(ص) عقل کل بودند، اما سیره ایشان پر است از مشورت‌های متعددی که پس از آن، نظر مشاوران را بر نظر خود ترجیح داده و بر همان اساس تصمیم گرفته‌اند؛ به‌طور نمونه در جنگ احد، نظر پیامبر(ص)، جنگ شهری و نظر مشاوران و لشکریان، جنگ در خارج شهر بود، اما پیامبر(ص) نظر مشاوران را ترجیح دادند و به احد رفتند. نمونه‌های متعددی در تاریخ ذکر شده است.

حال سؤال مهم این است که به‌راستی هدف پیامبر از مشورت با مردم و اصحاب خود چیست؟ این سؤال را از ابعاد گوناگونی می‌توان پاسخ داد. این اهداف را می‌توان در دو دسته زیر تقسیم‌بندی کرد:

الف) اهداف سیاسی‌اجتماعی:

۱. یکی از اهداف پیامبر(ص) این است که نشان دهد در حکومت اسلامی، استبداد معنا ندارد. در حکومت اسلامی، مشاوره صرفا یک نظرخواهی نیست. حکومت اسلامی با به‌کارگیری خرد جمعی، مردم را در حکومت‌داری دخیل می‌کند. این رفتار، بهترین الگوی حکومت مردم‌مدار است.

۲. مشورت، فرصتی برای آزمایش اصحاب صادق و باوفاست. در سیره نبوی مشورت فرصتی برای تشخیص افراد مؤمن و دلسوز حکومت اسلامی از فرصت‌طلبان و منافقان بود. یکی از راهکارهای دشمن در مقابله با حکومت اسلامی، نفوذ دادن منافقانی است که تلاش می‌کنند با مشورت‌های خود، نظام اسلامی را به انحراف بکشانند. مشاوره و مشورت، ابزاری است که تهدید نفوذ را به یک فرصت تبدیل می‌کند. ۳. شناسایی خطاها و دست‌یابی به راهکار مناسب، یکی دیگر از اهداف مشورت است. مشورت به بهره‌گیری از عقل دیگران، شناخت موارد خطا، پرهیز از اشتباه و یافتن راه‌حل‌های صحیح، کمک و درنهایت از ندامت و پشیمانی جلوگیری می‌کند. همچنین مشورت‌ها و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری، حتی در صورت شکست ظاهری، از انتقادهای بیجا و تضعیف حکومت اسلامی جلوگیری می‌کند.

ب) اهداف اخلاقی‌تربیتی:

۱. یکی از اهداف مشورت توسط پیامبر(ص)، ارزش نهادن به مردم و شخصیت‌بخشی به امت و هدایت کردن آن به‌سوی رشد و رستگاری است. مشورت باعث شکوفاسازی استعدادها در جهت تقویت هم‌بستگی اجتماعی می‌شود؛ به‌ویژه مشورت پیامبر در حوادث و بحران‌ها، علاوه‌بر ایجاد وحدت و همدلی، به تقویت روحیه جمعی و کاهش اختلاف‌ها کمک می‌کرد و زمینه‌ساز ثبات اجتماعی و موفقیت در تصمیم‌گیری‌های دشوار می‌شد. ازطرف دیگر، با این عمل، غیرمسلمانان که سران قبایل و بزرگانشان هیچ اهمیتی برای آنان قائل نبودند، به‌سوی اسلام جذب می‌شدند. ۲. هدف دیگر پیامبر، آموزش عملی مشاوره به مردم است. پیامبر(ص) با این شیوه، به مسلمانان و کارگزاران خود می‌آموخت که مشورت کردن ننگ نیست، بلکه عملی عقلانی و خداپسندانه است. تصور کنید خانواده‌ای را که اعضای آن‌ها در همه کارها با یکدیگر مشورت می‌کنند، نهادها و سازمان‌هایی که دائم با اعضای خود در حال مشورت هستند، مراکز آموزشی که با مشورت، تعلیم و تربیت را درپیش می‌گیرند، قانون‌گذاران، تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرانی که کارهای خود را با مشورت پیش می‌برند. چنین جامعه‌ای، به الگوی حیات طیبه نزدیک‌تر است. ۳. هدف دیگر، تحرک جامعه و رشد فکری مردم است. مشورت، موجب هم‌فکری و هم‌اندیشی، رهایی جامعه از جمود فکری و روشن‌شدن راه‌حل مسائل برای همگان می‌شود و مردم را به تفکر و دقت در امور وامی‌دارد. ازطرف دیگر دریافت مشورت از مردم، به آن‌ها دلگرمی می‌دهد و موجب مشارکت فعال‌تر آنان در جامعه و مسئولیت‌پذیری می‌شود.